

به نام سرایندهی مهر



پر پروک

مجموعه شعر نو

اعظم کریمی

نام کتاب: پر پروک

شاعر: اعظم کریمی


ناشر: ایراهستان

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۴۰۲

شمارگان: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۰-۷۰-۴

A decorative border of black butterfly silhouettes of various sizes and orientations, arranged in a curved path from the bottom left towards the top right, framing the central text box.

سرشناسه:	کریمی، اعظم، ۱۳۵۹-
عنوان و نام پدیدآور:	پر پروک / شاعر: اعظم کریمی.
مشخصات نشر:	فارس: نشر ایراهستان، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری:	ص. ۱۱۴
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۰-۷۰-۴
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
موضوع:	شعر فارسی -- قرن ۱۴ Persian poetry -- ۲۰th century
رده‌بندی کنگره:	PIR۸۳۵۸
رده‌بندی دیویی:	۸۱۶/۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۹۳۰۲۶۲۰

یک بار هم تو را ندیده‌ام اما عزیز من
ده‌ها جهان با تو به هستن نشسته‌ام!





هلا ای سربلند صبح، در آغوش بیداری!
تو ای محبوب در پستوی تار و روشن اندیشه‌ها جاری

فراغ شب!

نگین سرخ‌فام آرزو بر مرکب طوفانی کوب!

سکوت منفعل، ساده!

دلا! مجنون آزاده

شبی اندوه را پس زن

خودت را خوش نمایان ده!

شبی من را

عروس انتظار تیره‌پوشت را





به دست بادها بسپار

از این دیر سیاهِ غربت آلوده
به سمت بام تنها بر
و آن جا از نگاه سبز خود او را
بهشتی انگبین در شعله‌های قلب بنشان
تو ای تنهاترین دارایی احساسِ یک انسان!
تو ردِّ پستی عصیان
فروغ چشم‌های دم به دم کابوس دیده
مصلای نماز کافری دیوانه بر این جو نارس‌ستان
گمان می‌کردم از بودن که نادار است این تن را
که دستش خالی از اهدای یک تندیس، من را
پس اینک خویشتن را
پس اکنون این جهان‌تن را
بیاور گوشه‌ای تا بر هبوطش سجده‌ی ابلیس را بینی
که عشقی در تقدس مانده را ابلیس





و از آن کاهلی در سجده می کاهد همین شیطان که آدم

را...





نگریزی از من،

که مرا عشق تو چندان خوب است

که دمای دم خورشید به پهلوی زمین

یا هوای کم بالا به پر نرم عقاب

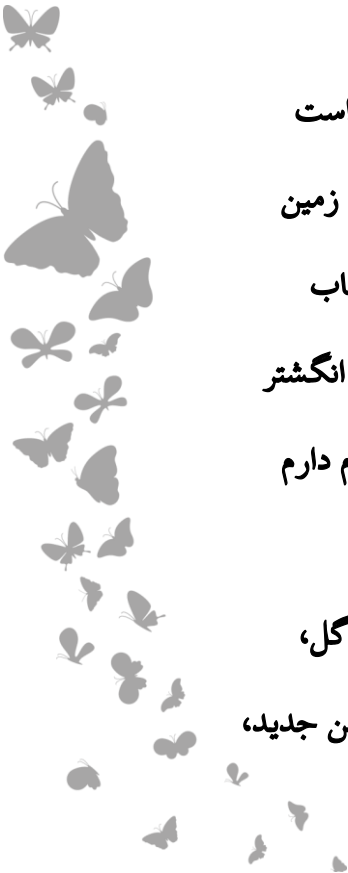
یا صدای بُرش اره‌ی زرگر به تن انگشتر

من تو را چون نفسی گرم کنارم دارم

حس من...؟

– مثل احساس تو با سرچ گوگل،

– حس کودک به همین بازی آنلاین جدید،



— حسِ یکِ توپِ درونِ تور است

مثل حس تن باد

وقت بازی به تن شاخ درخت

مثل آزادی یک دست لباس

روی باریکی یک بندکِ رخت

تو صدای تپشی

حس خوشی

تو همان جاریِ آبی به کفِ رود، پس از سالی خشک

آن چه من خواسته‌ام...

آن که می‌خواهم و باز...

حس کودک شدنم با تو قشنگ است!

مهیج...

و کمی رازآلود

چون تو هستی، پدرم را دارم



پسرم را دارم

گرچه تبعیدی ام اما،

وطنم را دارم

مثل ابری و کمی مبهم و دوری از من

باز من، سایه سرم را دارم

نقشهی منطقیِ راهبرم را دارم...

